



گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش حق با مردم بود

نمایشی که مخاطب را نش...

از تهیه کننده کار آقای احسان میرزا ابوالحسنی و اینکه این همکاری چگونه شکل گرفت بگویید.

ایشان تهیه کننده‌ای از بخش خصوصی واقعی هستند. متأسفانه در حوزه فرهنگ به خصوص حوزه سینما و تئاتر شاهد ورود سرمایه‌هایی هستیم که ظاهرش خصوصی است اما انگار که خیلی هم خصوصی نیست. اما سرمایه این کار از کارکرد و سرمایه شخصی خود آقای ابوالحسنی است که آوردند و برای تولید یک پروژه نمایش هزینه کرده‌اند و طبیعتاً هزینه‌ها از برآوردهای مان خیلی بالاتر رفت بخصوص که مارکت تئاتر هم محدود است و مارکت سوددهی نیست. خوشبختانه این دغدغه خود تهیه کننده بود که می‌خواستند یک پروژه نمایشی کار کنند و من نمی‌دانم که در پایان این کار با هم بخواهند در یک پروژه نمایشی سرمایه‌گذاری کنند و همان دغدغه و انگیزه را خواهند داشت تا سراغ پروژه بعدی بروند یا خیر اما برای این نمایش با انگیزه بسیار خوبی آمدند و از ابتدا تا همین امروز خیلی کمک و حمایت می‌کنند و هر شب اجرا در کنار مان هستند.

سخن پایانی

این کار اصلاً کم‌دنی نیست هر چند که لحظات با مزه هم دارد ولی یک نمایش یک ساعته است که بعید می‌دانم کسی از دیدنش پشیمان شود. وقتی مخاطبان در حال ترک سالن هستند من تلاش می‌کنم تا با چند نفر از آنها گپ بزنم و تاکنون دیده‌ام که عموماً خوشحالند که یک ساعت وقت گذاشته و به دیدن این تئاتر آمدند. واقعیت این است که این توصیفی است که می‌توانم از این چند شب اجرا بدهم. بنابراین به دوستانی که می‌خواهند یک کار غیر کم‌دنی ببینند و به دنبال دیدن یک کار در فضای جدی تر هستند نمایش «حق با مردم بود» را پیشنهاد می‌کنم و از دوستانی که نمایش را دیده و این مصاحبه را می‌خوانند هم تقاضا دارم با توجه به اینکه صفحه تیوال این روزها برای نمایش‌ها بسیار مهم است اگر دوست داشتند نظرشان را در دیوار و روی صفحه نمایش مان بنویسند.

نمایش «حق با مردم بود» به کارگردانی علی نیکزاد و تهیه کنندگی احسان میرزا ابوالحسنی با حضور چهره‌های مطرح تئاتر مثل سید جواد بچیوی، محسن زر آبادی، سعید داخ، یعقوب صباحی، آرام نیک‌بین و... که نگاهی نو به نمایشنامه مشهور «دشمن مردم» اثر جاودانه هنریک ایبسن دارد، این روزها روی صحنه نوفل‌لوشاتو در حال اجراست. در خلاصه این نمایش که از ۱۸ مرداد اجراهای خود را آغاز کرده و تا ۲۳ شهریور ماه ادامه خواهد داشت، آمده است: تصور کن! خطری پنهان عزیزانت را تهدید می‌کند تو این حقیقت مهم را کشف می‌کنی آن را به دیگران می‌گویی و منتظر تشویق آنهایی، اما اتفاقاتی می‌افتد که هرگز انتظارشان را نداشتی. اجرای این نمایش خبرنگار صبا را بر آن داشت تا گپ و گفتی با کارگردان و بازیگران این نمایش داشته باشد که در ادامه می‌خوانید.

علی نیکزاد، کارگردان:

فلش‌را به سمت مردم گرفتیم

از دراماتورژی و تغییراتی که اعمال کردید بگویید.

متن «دشمن مردم»، یک حرف محوری دارد و من خیلی دلم می‌خواست آن حرف را روی صحنه بیاورم. منتها اشکالی وجود داشت و آن هم این بود که این متن، متن امروزی نیست و طبیعتاً یک جاهایی با آنچه که امروزه، ذائقه مردم ایران و مخاطب فارسی زبان است خیلی فاصله دارد. برای همین تلاش کردم تا این متن را به آنچه که امروز مخاطب فارسی زبان فکر می‌کند نزدیک کنم. در ابتدا یک سری از پرسوناژها را حذف کردم و یکی، دو پرسوناژ با بازی‌های کوتاه افزودم و بعد روی سرنوشت نهایی تغییراتی ایجاد کردم. در نهایت آنچه که شما در نمایش «دشمن مردم» می‌خوانید با آنچه که در نمایش «حق با مردم بود» می‌بینید ۱۸۰ درجه متفاوت است.

به نظر می‌آید در کاراکتر پردازی‌ها از آن آرمانگرایی ایبسن فاصله گرفته‌اید.

بله کاراکترها و داستان را کاملاً واقعی دیدم، اصلاً آرمانی به آن نگاه نکردم و به کاراکتر پردازی قهرمان داستان عمق نیز دادم یعنی همان جاه طلبی که در او وجود دارد و با اتفاقاتی که شکل می‌گیرد ممکن است خودش را بیشتر نشان دهد.

نکته دیگر نقد سنگینی است که شما به مدیا وارد کرده‌اید و مدیا را به عنوان ابزاری در دست قدرت نشان می‌دهید که در پشت حقیقت طلبی پنهان می‌شود اما به قدرت خدمت می‌کند.

من سال‌های طولانی کار رسانه انجام دادم و به عنوان کسی که از این حوزه می‌آیم خیلی متأسفم که به چنین نگاه و موضعی رسیدم. البته که نمی‌خواهم بگویم که تمامی رسانه‌ها اینگونه هستند اما به ویژه در سال‌های اخیر از رسانه‌های جریان اصلی، رسانه‌های مهم دنیا و رسانه‌هایی که همه به آنها ایمان داشتیم و فکر می‌کردیم که امکان ندارد خلاف بگویند نمونه‌هایی را دیدیم. نمایش‌ها و سیرک‌های بزرگی را دیدیم که توسط این رسانه‌ها به راه افتادند در مورد کشورمان، اما در سطح جهان مثلاً در مورد رسانه‌هایی مثل نیویورک تایمز یا سی‌ان‌ان و رسانه‌های مهمی که اعتماد مخاطب را جذب کردند با این مسئله مواجه شدیم و دیدیم که در برهه‌های مختلف چه نمایش مضحکی را ایجاد می‌کردند، تغییرات و تحولات مهم سیاسی که در گوشه‌ای از دنیا رخ می‌داد را نادیده می‌گرفتند و به چیزهایی می‌پرداختند که کاملاً بی‌اهمیت بودند و این کاریست که در حال حاضر نیز رسانه‌ها انجام می‌دهند.

در مورد کاراکتر فیلیپ چه دیدگاهی دارید؟

به نظرم ما به ازای کاراکتر فیلیپ را در جامعه بسیار می‌بینیم و حتی می‌توان از نمونه‌های مشابه این کاراکتر به راحتی نام برد. این کاراکترها همه جا هستند آدم‌هایی که دیده نمی‌شوند اما ساختارهای فاسد را رهبری می‌کنند. در این نمایشنامه می‌بینیم که همه شهردار را زیر سوال می‌برند و زیر ذره بین همگانی است اما در واقع این افرادی مثل فیلیپ هستند که شهر را هدایت و جهت دهی می‌کنند و تعیین می‌کنند چه اتفاقی بیفتد. به شکل خیلی حیرت‌انگیزی این دو طرف یعنی نهاد اداره شهر با سایه‌هایی که در پشت پرده هستند اتفاقات را جهت دهی می‌کنند و به یک همزیستی رسیده‌اند و یا کاری به کار هم ندارند یا با هم کار می‌کنند و یک رابطه مستمر بین آنها وجود دارد.

فیلیپ، نماد چنین ساختاری است که فساد را مدام باز تولید می‌کند و من شروع این چرخه باز تولید فساد را از کاراکتر ویلیام که می‌خواهد به هنریک که مجری رادیو است و در ادامه هنریکی که می‌خواهد به مارسل مجری پیشین رادیو که به پایتخت رفته و برای خودش کسی شده تبدیل شود، در نظر گرفتم و سر دیگر این چرخه نیز جفرسونی است که ویلچر فیلیپ را می‌آورد و دو فردی که در شهر فریاد می‌زنند و راهپیمایی‌ها را سامان دهی می‌کنند و همه این‌ها یک شبکه فساد هستند که توسط فیلیپ اداره می‌شوند.

طراحی صحنه کار هم از اهمیت زیادی برخوردار بود از ایده و معانی که در بر داشت بگویید.

این نمایشنامه پر از حرف و دیالوگ است و اتفاق و حرکت‌هایی که مد نظر ما بود کمتر در متن اولیه وجود داشت. بنابراین از همان ابتدا که سراغ این متن رفتیم به شیوه اجرایش بسیار فکر کردم و اینگونه دیدم که روابط و مناسبات در جلوی صحنه کاملاً رئال و واقعی باشد اما آنچه که در پشت اتفاق می‌افتد کاملاً مفهومی و بر خلاف آنچه که روی صحنه است باشد. در طول نمایش و همانطور که از نام نمایش «حق با مردم بود» نیز برمی‌آید، می‌بینید که ما مدام همه چیز را به مردم ارجاع می‌دهیم بنابراین صحنه را به شکلی طراحی کردیم که به مانند فلشی باشد که به سمت مردم است. در راستای صحبت‌هایی که با آقای یزدانی طراحی صحنه کار انجام دادیم از تفاعل صحنه را خیلی بالا و حجم‌ها را بزرگ در نظر گرفتیم تا این مفهوم را تداعی کند که ساختارها انسان‌ها را می‌بلعند و انسان‌ها در این ساختارها گم‌اند. اینکه ساختار مهم است و آدم‌ها تک به تک مهم نیستند و این آن چیزی بود که من در صحنه دیدم و بر خلاف چیزی است که در نمایشنامه «دشمن مردم» دیده می‌شود. انسان بسیار مهم است ولی من تلاشم را کردم تا بسا همکاری طراحی صحنه و بر اساس اندازه بلک باکس نوفل‌لوشاتو صحنه را به گونه‌ای طراحی کنیم که گویی انسان دارد مغلوب این ساختارها می‌شود.